

بررسی بینامتنیت قرآنی در قصاید عمرانی کابلی براساس نظریه ژرار ژنت

میثم حنیفی^۱ - فاطمه حسینی^۲ - خالد حسینی^۳ یار

چکیده

بینامتنیت یکی از نظریه‌های مهم ادبی است که به واکاوی حضور یک متن در متن دیگر و تأثیر و تأثر متون از یکدیگر می‌پردازد. بینامتنیت به طور گسترده و نظام‌مند، روابط یک متن را با عناصر پیرامونی اش، با متن یا متون قبل یا هم‌زمان خود و متونی که این متن را نقد و تفسیر کرده‌اند، بررسی می‌کند و قدمی در جهت تأیید یا انکار آن برمی‌دارد. از میان نظریه‌پردازان بینامتنیت، به نظریه «ژرار ژنت» بیشتر توجه شده است. پس از ظهور دین اسلام، قرآن به عنوان یک زیرمتن از نظرگاه‌های مختلفی مرجع و منبع بسیاری از شاعران قرار گرفت. عمرانی کابلی یکی از شاعران شیعی معاصر افغانستان است که با زیرمتن قراردادن قرآن و اشارات گسترده به سیرت و فضایل اهل بیت (ع) به عنوان تشکیل دهنده زیربنای افکارش، شعر سروده است. از این رهگذر شعر او بیانگر افکار عالمانه، دینی و مذهبی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مناسبات بینامتنی قرآن و قصاید عمرانی کابلی را براساس نظریه ژرار ژنت بررسی می‌کند. طبق یافته این پژوهش، قصاید عمرانی کابلی متأثر از آیات و داستان‌های قرآنی است و از منظر نظریه ژنت هم بینامتنیت نوع صریح و هم غیر صریح (ضمنی) را در بر می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، بینامتنیت، ژرار ژنت، افغانستان، عمرانی کابلی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع). تهران. ایران. (نویسنده مسئول).

hanifimeysam@gmail.com

۲. دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع). تهران. ایران. fatemahussaini152@gmail.com

۳. دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع). تهران. ایران. kh.poyayar@gmail.com

۱. مقدمه

اثرپذیری آثار هنری از یکدیگر از دیرباز مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف بوده و در این میان، در بررسی آثار ادبی به این تأثیرات بیشتر توجه شده است. وجود صنعت‌های ادبی مانند اقتباس، درج، حل و عقد، تضمین و... شاهد این مدعا است. همچنین مسئله بررسی وام‌گیری از آثار دیگر و سرقت‌های ادبی یکی از مسائل رایج در میان ادبا و صاحب‌نظران بوده است و شاعران و منتقدان گاهی شاعران دیگر را به سرقت از اثر خود یا دیگری متهم می‌کردند. در حال حاضر نیز به تأثیر متون بر یکدیگر توجه می‌شود؛ با این تفاوت که تأثیر پذیرفتن از دیگر متون نه به عنوان یک صنعت ادبی، بلکه امری ناگزیر پنداشته می‌شود.

طبق نظریه‌های ادبی معاصر، متن‌ها، واحدهای خودبسنده و ابداع نویسندگان خود نیستند. در هر متنی می‌توان ردّ پایی از متون گذشته را دریافت و پذیرفت که متن‌های جدید به شکلی از اشکال از متون گذشته تأثیرپذیر است. به این شکل، توجه به ماهیت بینامتنی متن و بررسی پیش‌متن‌های آن می‌تواند خوانشی دقیق از متن به دست دهد که بدون توجه به ساحت بینامتنی متن ممکن نخواهد بود.

محمدحسن عمرانی کابلی، شاعر شیعی معاصر افغانستان از آیه‌های قرآن و متون دینی و مذهبی در سرایش اشعار خود بسیار متأثر بوده است. در این پژوهش براساس یکی از مهم‌ترین نظریه‌های بینامتنیت، شیوه تأثیر قرآن بر متن عمرانی واکاوی می‌شود.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱) عمرانی کابلی از بینامتنیت برای بیان چه مضامینی استفاده کرده است؟
- ۲) کدام شیوه بینامتنیت بیشترین کاربرد را در قصاید عمرانی کابلی دارد؟
- ۳) کدام نوع بینامتنیت ژرار ژنت بیشترین کاربرد را در قصاید عمرانی کابلی دارد؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر نخستین پژوهش در قصاید عمرانی کابلی با این عنوان است و تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع بینامتنیت قصاید عمرانی کابلی با نگاه به نظریه ژرار ژنت و نظریه‌های دیگر انجام نشده است؛ البته پژوهش‌های متعددی با موضوع بررسی نظریه بینامتنیت در متون ادبی وجود دارد. از میان این پژوهش‌ها، مقاله‌های زیر بیشترین شباهت را با پژوهش حاضر از منظر موضوع کلی دارند: «بینامتنیت قرآنی در طرب‌المجالس براساس نظریه ژرار ژنت» (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ «بررسی بینامتنیت قرآنی غزلیات فیض کاشانی براساس نظریه ژرار ژنت» (محمودی و هوشمند سروستانی، ۱۴۰۰)؛ «بینامتنیت قرآنی در مصنفات باباافضل کاشانی براساس نظریه ژرار ژنت» (مختاری و کاظم‌پور، ۱۴۰۰)؛ «بررسی و تحلیل بینامتنیت قرآنی در تمهیدات عین‌القضات همدانی براساس نظریه ژرار ژنت» (اویسی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ «بررسی و تحلیل روابط بینامتنیت قرآنی دیوان ناصرخسرو براساس نظریه ژرار ژنت» (پیرک، ۱۴۰۱).

همان‌گونه که از عناوین این مقالات پیداست، موضوع کلی آن‌ها با مقاله حاضر مشابه است و از منظر مبانی نظری با آن همانندی دارد؛ اما از منظر مطالعه موردی، محدوده مطالعه پژوهش پیش رو با پژوهش‌های پیشین کاملاً متفاوت است.

۱-۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی نظری است و به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و داده‌های آن با مطالعه کتابخانه‌ای به دست آمده است. محدوده مورد مطالعه، قصاید عمرانی در دیوان عمرانی کابلی است که به کوشش سید رضا هاشمی سره در سال ۱۴۰۰ در تهران چاپ شده است. در ارجاع دهی ابیات، پس از ذکر شماره صفحه، شماره بیت نیز درج شده است. برای نمونه (عمرانی، ۱۴۰۰: ۲/۳۴۸) نشانگر این است که بیت مورد اشاره، بیت دوم در صفحه ۳۴۸ است.

۲. مبانی نظری

۲-۱- بینامتنیت ژرار ژنت

ژرار ژنت یکی از محققان و منتقدان ادبیات و هنر در نیمه دوم قرن بیستم است. یکی از حوزه‌هایی که مورد توجه ژنت قرار گرفت، ترامتنیت است. وی در این حوزه سه کتاب نوشت و به طور مستقیم ترامتنیت را مورد مطالعه قرار داد. ترامتنیت دستگاه پیچیده‌ای است که می‌کوشد تا همه ارتباطات میان متنی را زیر پوشش خود قرار دهد (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۲۱). هر چیزی که پنهان یا آشکار، یک متن را در ارتباط با دیگر متن‌ها قرار می‌دهد (Genette, 1997: 7). این واژه ترجمه *Transtextualite* است. «ترا» نسبت به «بنا» گسترده‌تر است و دایره وسیع‌تری از موضوعات و روابط را زیر پوشش خود قرار می‌دهد که به پنج نوع تقسیم می‌شود: پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت، بیش‌متنیت و بینامتنیت.

بینامتنیت ژنتی بر پایه هم‌حضور عناصر دو یا چندین متن استوار است؛ یعنی هرگاه از یک متن ادبی یا هنری عنصر یا عناصری در متن دوم حضور بیابد و

به طور یقین معلوم گردد که متن دوم به طور مستقیم یا غیر مستقیم از متن نخست تأثیر پذیرفته است، رابطه این دو متن بینامتنی است. در مقایسه بین بینامتنیت ژنتی با سایر بینامتنیت‌ها باید گفت که بینامتنیت ژنتی محدودتر اما در عین حال مشخص‌تر و معین‌تر است. ژرار ژنت مراحل پنج‌گانه‌ای را برای رابطه بینامتنی لازم می‌داند: نخست باید ثابت شود که متن دوم متأثر از متن نخست بوده است و راه ثابت کردن نیز باید متنی باشد؛ یعنی با دلایل متنی چنین رابطه‌ای اثبات شود. پس از اثبات شدن یا هم‌زمان با آن، کلیه هم‌حضورها باید رصد و انباشته شود. در مرحله بعدی باید دسته‌بندی و گونه‌شناسی این عناصر هم‌حضور پرداخته شود. این مرحله از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل تحقیق محسوب می‌شود. در مرحله بعد، به تحلیل موارد هم‌حضور پرداخته می‌شود و سعی بر آن است تا از نظر بلاغی و معنایی تأثیر حضور متن «الف» در متن «ب» مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در آخر به بررسی داده‌های بالا پرداخته می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۳۰-۳۱). به عبارت دیگر، بینامتنیت رابطه هم‌حضور با عناصر مشترک میان دو یا چندین متن است، اغلب با حضور واقعی یک متن در متن دیگر (Genette, 1997:2).

۲-۲. معرفی عمرانی کابلی

سید میر محمد حسن عمرانی کابلی معروف به «مهندس»، فرزند سید میر محمد حسین در سال ۱۲۹۸ ش. در مرکز ولایت پکتیا، شهر گردیز دیده به جهان گشود. از سال‌های آغازین عمر وی اطلاعات چندانی در دست نیست. این شاعر شیعی در ۱۴ خردادماه سال ۱۳۵۷ در منطقه «چنداوول» شهر کابل دیده از جهان فرو بسته است. به استناد آنچه از اشعار عمرانی باقی مانده، می‌توان گفت وی در قالب‌های قصیده، مسمط، ترکیب‌بند، مثنوی،

قطعه، مستزاد و غزل، سروده دارد. از آن میان، بیشترین تعداد اشعار او در قالب قصیده و کمترین آن‌ها در قالب مثنوی سروده شده‌اند. در سروده‌های او ویژگی‌های سبک عراقی بیشتر مشاهده می‌شوند. دیوان او آکنده از ابیات نغز است که با اندک دقت و توجهی، تسلط و مهارت شگفت‌انگیز او در علوم و فنون گوناگون اعم از ادبیات، تاریخ، جغرافی، نجوم، هندسه، کلام، فلسفه و عرفان و... خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عمرانی از گویش کابلی در بیان مضامین و خلق مفاهیم بهره جسته و بی‌شک بسیاری از «ویژگی‌های زبانی» او متأثر از کابلی بودن اوست. تمامی سروده‌های او از یک محور معنوی برخوردارند و آن محبت و ارادت به خاندان رسالت^(ع) و موضوع مخالفت نسبت به دشمنان ایشان است (عمرانی، ۱۴۰۰: ۱۲-۱۸). اشعار این شاعر شیعی مخصوصاً اشعاری که در قالب قصیده سروده است، مملو از آیات و داستان‌های قرآنی است که شامل کلمات و عبارات‌های قرآنی می‌شود. با توجه به قصاید وی اصلی‌ترین زیرمتن تشکیل‌دهنده اندیشه او قرآن کریم است. قرآن به عنوان مقدس‌ترین کتاب آسمانی نزد مسلمانان، همواره مانند یک پیش‌متن یا مرجع و منبع واژگانی و مفهومی نزد شاعران بوده است. قرآن از منظر فصاحت و بلاغت نیز سرمشق شاعران در طول تاریخ بوده است. در طول تاریخ ادبیات فارسی شاعران زیادی به قرآن نظر داشته‌اند و اشعارشان بینامتنیت صریح و غیر صریح با قرآن کریم داشته است. عمرانی کابلی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۳. بررسی بینامتنیت قرآنی قصاید عمرانی کابلی براساس بینامتنیت ژنت

براساس اشعار و خصوصاً قصاید عمرانی کابلی، می‌توان وی را یکی از شاعران برجسته شیعی در ادبیات معاصر فارسی دانست. پرداختن به محتوای دینی و مذهبی طبعاً

۳-۱-۱. نَفْحَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي

متن حاضر:

به «کَرْمَنَا» خلافت یافت اندر مرکز خاکی

به تلقین «نَفْحَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي» چو شد احیا

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۸/۴۵)

متن غایب:

«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ: پس آن‌گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم، بر او به سجده در افتید» (حجر: ۲۹)

عملیات بینامتنی

«سَوَّيْتُهُ» از «استوا» به معنای اعتدال و استواری در آفرینش است. ماجرای خلقت انسان و سجده فرشتگان بر او، در سوره‌های بقره، اعراف، حجر، اسرا و کهف آمده و تکرار این داستان بیانگر تعصب و نژادپرستی ابلیس و حسادت بر انسان و خطر تکبر و عدم توبه و عذرخواهی است که در طول تاریخ، همه انسان‌ها به نحوی با آن درگیر هستند (قرائتی، ۱۴۰۱: ۱۲۶/۸). عمرانی کابلی در این بیت در واقع به دو آیه قرآن اشاره کرده که یکی اشاره به کرامت انسان و دیگری دمیدن روح خدا در وجود انسان است. انسان خاکی با دمیدن روح خدا در وجودش زنده شد و به حرکت آمد و با کرامتی که خالق به او اعطا نمود، خلیفه خدا در روی زمین تعیین شد. این عبارت بینامتنیت صریح است.

۳-۱-۲. اِنْ هَذَا سِحْرٌ

متن حاضر:

به جز بوجهل کز شرمندگی چون سگ همی بگریخت

کسانی نیز می گفتند «ان هذه سحرا»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۸/۵۸)

متن غایب:

«وَقَالُوا اِنْ هَذَا اِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ: وگویند این خود پیداست که سحری بیش نیست»
(صافات: ۱۵).

عملیات بینامتنی

«سحر» لفظی است عربی به معنای تغییر دادن ماهیت و صورت واقعی شیء به امری غیر حقیقی یا خیالی، مترادف آن در زبان فارسی «جادو» است (مصاحب، ۱۳۸۰: ۱۲۷۶/۸). سحر در اصطلاح، امری شگرف است که به امور خارق العاده شباهت دارد؛ اما خود، خارق العاده نیست؛ زیرا اولاً امری آموختنی است و ثانیاً انجام آن با ارتکاب کارهای زشت باعث می شود که انسان مورد وسوسه قرار گیرد (خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۱۹۳/۲). عده ای از کافران در زمان نبی اکرم با دیدن معجزات، ایشان را ساحر خطاب کردند و معجزاتش را سحر آشکار گفتند. عمرانی کابلی بخشی از این آیه را با تغییر اندکی که به دلیل گنجیدن در وزن شعر اعمال شده در بیتش آورده است. این مطلب از نظر ژرار ژنت بینامتنیت صریح و آشکار با قرآن کریم است؛ چون با همین معنی و منظور در بیت به کار رفته است.

۳-۱-۳. هَلْ مِنْ مَزِيدٍ

متن حاضر:

در آن روزی که آتش نعره «هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» آرد

شود آبی بر آتش، آبروی شاه مردانش

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۷/۲۹۷)

متن غایب:

«يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ نَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ: روزی که جهنم را گوییم: آیا مملو از وجود کافران شدی؟ و او گوید: (آیا دوزخیان) بیش از این هم هستند؟» (ق: ۳۰)

عملیات بینامتنی

عبارت «هل من مزید؟» بیشتر برای افراد حریص به کار می‌رود که هر چه به دست می‌آورند، باز آتش طمع آن‌ها فرو نمی‌نشیند و حریص‌تر می‌شوند. خداوند در این آیه گناهکاران و منکران معاد را مورد سرزنش و عتاب قرار می‌دهد و به سرنوشت آن‌ها در روز قیامت اشاره می‌کند و خطاب به گناهکاران می‌فرماید که: گمان نبرید که حجم جهنم محدود است؛ بلکه جهنم به وضعی است که وقتی می‌پرسم آیا پر شده‌ای؟ می‌گوید: آیا بیشتر هم است؟

عمرانی کابلی با استفاده از این عبارت قرآنی، عقیده‌اش را مبنی بر این‌که حضرت علی^(ع) در روز جزا شافع ما نزد خداست و آبرویش - هنگامی که جهنم ما را فرا می‌خواند و می‌گوید هنوز جا دارم - می‌تواند آب بر آتش شود و نزد خدا شفیع ما قرار گیرد. این متن بینامتنیت نوع صریح است.

۲-۳. بینامتنیت واژگانی

در قصاید کابلی ۶۸ مورد بینامتنیت واژگان قرآنی دیده می‌شود. «در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است؛ یعنی واژه و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم یا غیر مستقیم توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادبیات فارسی راه یافته‌اند» (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵). نشانی ابیات بدین قرار است: ۲۶/۲. ۴۱/۳. ۴۳/۳. ۴۳/۴. ۴۴/۱. ۴۵/۸. ۵۸/۷. ۵۸/۷. ۶۲/۵. ۷۰/۸. ۷۶/۴. ۷۷/۲. ۷۸/۳. ۷۹/۲. ۷۹/۳. ۷۹/۳. ۷۹/۳. ۷۹/۴. ۷۹/۴. ۷۹/۴. ۷۹/۶. ۸۱/۱. ۸۱/۲. ۸۱/۱. ۸۷/۴. ۸۷/۴. ۸۷/۶. ۸۹/۳. ۹۳/۲. ۱۱۱/۸. ۱۱۲/۶. ۱۱۹/۵. ۱۲۵/۷. ۱۲۷/۱. ۱۲۷/۷. ۱۳۱/۱. ۱۴۰/۱. ۱۴۱/۷. ۱۴۹/۴. ۱۵۵/۶. ۱۵۷/۲. ۱۶۷/۱. ۱۶۷/۴. ۱۷۱/۱. ۱۷۱/۴. ۱۷۳/۴. ۱۷۶/۳. ۲۱۳/۴. ۲۳۰/۲. ۲۳۰/۸. ۲۳۵/۵. ۲۵۸/۴. ۲۶۰/۲. ۲۷۳/۴. ۲۸۶/۴. ۳۱۱/۸. ۳۴۴/۶. ۳۵۰/۴. ۳۵۱/۴. ۳۵۶/۲. ۴۱۸/۷. ۴۳۶/۷. ۴۳۶/۷. ۴۳۶/۷. ۴۳۶/۷. ۵۰۸/۳. ۵۰۹/۴. ۵۱۴/۳. ۵۴۹/۲.

۱-۲-۳. ید بیضا

متن حاضر:

خروس صبحگاهی بانگ زد تا آیت «والشمس»

کشید از آستین پیر سحرگه تا «ید بیضا»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۴/۱۴۹)

متن غایب:

«وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءِ آيَةٍ أُخْرَىٰ: و دستت را در گریبان کن تا بدون هیچ عیبی [چون برص و پیسی] سفید و درخشان بیرون آید، آن معجزه‌ای دیگر است» (طه: ۲۲).

عملیات بینامتنی

بعضی از تأثرات عمرانی از عبارات قرآنی با آرایه‌های بیانی درآمیخته و به‌کارگیری هم‌زمان آرایه بدیعی تلمیح و آرایه بیانی به زیبایی بلاغی شعر افزوده است. «ید بیضا» یکی از چندین معجزه حضرت موسی^(ع) است. ترکیب ید بیضا که مستقیم از قرآن گرفته شده، اشاره دارد به جایی که دست حضرت موسی^(ع) سفید و درخشان از گریبان بیرون می‌آید. شاعر در مصراع اول می‌گوید: خروس با بانگ خود، مانند قاری ای است که «والشمس» می‌خواند و طلوع خورشید را خبر می‌دهد. در مصراع دوم شاعر طلوع خورشید را به «ید بیضا» تشبیه کرده؛ یعنی صبح مانند پیر خردمند، دست نورانی خود را از آستین بیرون می‌آورد و تاریکی را می‌شکافد. این بیت از طریق تلمیح به آیت قرآنی، بینامتنیت صریحی برقرار می‌کند. شاعر با ترکیب اضافی «ید بیضا» مفهوم قرآنی را جذب کرده، گسترش داده و تصویر طبیعی را به نماد الهی تبدیل کرده است.

۳-۲-۲. لا تَحْزَن

متن حاضر:

مکش به زلف سیه فکرت تماشایی

کن از نگاه محبت، خطاب «لا تحزن»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۲/۳۴۸)

متن غایب:

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهَا اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ اتَّخِزْنِ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا فَانزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: اگر او [پیامبر] را یاری

نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد. هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود، آن‌گاه که در غار [ثور] بودند وقتی به همراه خود می‌گفت اندوه مدار که خدا با ماست؛ پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاه‌یانی که آن‌ها را نمی‌دیدید، تأیید کرد و کلمهٔ کسانی را که کفر ورزیدند، پست‌تر گردانید و کلمهٔ خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است» (توبه: ۴۰).

عملیات بینامتنی

«حزن» در لغت به معنی سختی زمین است و نفس را به خاطر غمی که برای آن به وجود می‌آید و موجب سختی و دگرگونی آن می‌شود، حزین می‌گویند و آن خلاف فرح و شادی است. واژه «حُزن» با مشتقاتش در قرآن کریم ۴۲ مرتبه به کار رفته است که ۲۶ آیه آن مکی و ۱۶ آیه مدنی است و در اکثر این آیات خداوند حزن را به صورت منفی بیان کرده است و پرهیز از حزن دستور کار آیات است. عمرانی کابلی نیز این واژه را به همین معنی به کار برده است؛ یعنی از نگاه محبت به خلق بوده که خالق خطاب به ما گفته است لاتحزن، دقیقاً طوری که در قرآن کریم ذکر شده است. نظر به بینامتنیت ژرار ژنت، این بینامتنیت صریح است که از قرآن کریم گرفته شده و با معنی محزون و اندوهگین نبودن در این بیت به کار رفته است.

۳-۲-۳. سجیل

متن حاضر:

به عافیت آی سوی دلداری نظاره بنما به حسن رخسار

صلاحیت این است زود روی آر وگرنه سجیل و نار دارم

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۲/۲۶)

متن غایب:

«تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ: که بر آنان سنگ‌هایی از نوع گِل می‌افکندند» (فیل: ۴).

عملیات بینامتنی

واژه سِجِّيل: گویند آن معرب «سنگ گل» است، یعنی کلوخ متحجر. به نظر راغب آن به معنی کلوخ سنگ دار است. قرآن مجید این کلمه را در سه محل آورده و بر عذاب الهی به واسطه فرو باریدن سِجِّيل تکیه کرده است؛ [رک. حجر: ۷۴؛ هود: ۸۲ و فیل: ۴] (قرشی، ۱۳۷۸: ۳۵۹). عمرانی در این بیت تلمیح بارزی به متن قرآن کریم دارد. واژه سِجِّيل مستقیم از آیات قرآن برگرفته شده؛ اما در بافت شعر عاشقانه - عرفانی تحول یافته است. شاعر می‌گوید: با آرامش و سلامت به طرف معشوق حقیقی بیا و جمال او را بنگر. خیر و صلاح تو در این است که هر چه زودتر روی به خداوند آوری. اگر روی نیاوری، جز عذاب سِجِّيل و آتش چیزی در انتظارت نخواهد بود.

۳-۲-۴. کَرَمْنَا

متن حاضر:

تسری نور ایشان یافت در ذریهٔ آدم

مجهز شد بشر زین آبرو بر تاج «کَرَمْنَا»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۷/۴۲)

متن غایب:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: بی‌گمان ما فرزندان آدم را ارج نهادیم و آن‌ها را در

خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] سوار کردیم و به آن‌ها از انواع پاکیزه‌ها روزی دادیم و [نیز] آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم، برتری خاصی بخشیدیم» (اسراء: ۷۰).

عملیات بینامتنی

کرامت ذات انسان، هدیه الهی به جامعه بشری است. این رجحان مربوط به جنسیت، دین، مذهب، قوم، ملیت، نژاد و فرهنگ مردم خاصی نمی‌شود؛ بلکه مربوط به تمام بشر و اشرف مخلوقات است. خداوند در این آیه در قرآن کریم به صراحت می‌فرماید که ما انسان را کرامت بخشیدیم و نسبت به تمام مخلوقات و برتری مخصوصی بخشیدیم. عمرانی کابلی با استفاده از واژه «کَرَمًا» به خلقت انسان اشاره کرده و کرامت و برتری انسان را نسبت به بقیه مخلوقات تذکر داده است. با توجه به نظریه ژرار ژنت نسبت به بینامتنیت، این نوع استفاده عمرانی کابلی که واژه شاخص آیه را در شعرش آورده، بینامتنیت صریح از قرآن کریم است.

۳-۳. اشاره به آیه، بدون اقتباس مستقیم

در قصاید عمرانی کابلی ۳۶ مورد اشاره قرآنی مشاهده می‌شود. نشانی این ابیات در دیوان بدین شرح است: ۱۲۳/۱. ۱۲۹/۶. ۱۳۴/۲. ۱۳۴/۳. ۱۵۵/۴. ۱۵۷/۲. ۱۸۹/۵. ۲۲۰/۶. ۲۳۳/۲. ۲۳۳/۳. ۲۳۳/۶. ۲۳۵/۴. ۲۳۵/۷. ۲۳۶/۱. ۲۵۱/۷. ۲۵۱/۸. ۲۵۳/۸. ۲۵۸/۳. ۲۶۰/۸. ۲۸۴/۶. ۲۸۷/۴. ۲۹۶/۶. ۲۹۷/۴. ۲۹۷/۵. ۳۰۰/۳. ۳۰۱/۳. ۳۰۱/۶. ۳۰۴/۴. ۳۱۳/۴. ۳۱۵/۷. ۳۱۶/۲. ۳۲۳/۳. ۳۴۰/۱. ۳۵۲/۱. ۳۵۷/۶. ۴۳۷/۱.

۳-۱-۳. اشاره به واقعه غدیر خم و اکمال دین

متن حاضر:

ثبوت بیعت این دست شد در آیت «بَلِّغْ»

فراز منبر یوم‌الغدیر از مصطفی حقا

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۲/۱۵۷)

متن حاضر:

تصور بس که ره پیمود اندر کاوش ذاتش

خرد ابلاغ کرد از آیت تبلیغ و عنوانش

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۱/۲۳۶)

متن غایب:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ: ای پیامبر، آنچه از سوی پروردگارت (درباره ولایت و رهبری علی بن ابی طالب) بر تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر انجام ندهی، پیام خدا را نرسانده‌ای و خدا تو را از آسیب و گزند مردم نگه می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند» (مائده: ۶۷).

عملیات بینامتنی

بَلِّغْ به معنی تبلیغ و ابلاغ به معنی رساندن است. این آیه در مدینه بر پیامبر اسلام^(ص) نازل گردیده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۱). این آیه مربوط به جانشینی حضرت علی^(ع) و نصب او به ولایت در غدیر خم به هنگام برگشت پیامبر^(ص) از سفر حج در سال دهم

هجری است. این آیه در میان دو آیه‌ای قرار گرفته که مربوط به اقامه کتاب آسمانی است و شاید اشاره به این باشد که میان رهبر معصوم و اقامه کتاب آسمانی، پیوند محکمی برقرار است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۳۶). شاعر در این بیت با آوردن تعبیرهای «آیت بلغ» و «یوم‌الغدیر» (اشاره به واقعه غدیر خم)، به صورت تلمیحی از متون پیشین خود بهره برده و معنای دینی‌شان را در قالبی شاعرانه بازآفرینی کرده است. در واقع، عمرانی کابلی، بیعت حضرت علی^(ع) را به فرمان الهی پیوند می‌دهد و آن را به «حق» می‌خواند؛ بنابراین، عملیات بینامتنی در این بیت، عبارت است از ترکیب زبان و معنای قرآن با بیان شاعرانه برای بازآفرینی واقعه غدیر خم.

۳-۲. اشاره به معجزه شق القمر

متن حاضر:

شد از «شق القمر» آیین احمد در جهان روشن

شهود لیل معراجش ز «سبحان الذی اسرا»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۲/۱۳۴)

متن غایب:

«اقتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ: قیامت بسیار نزدیک شد و ماه از هم شکافت» (قمر: ۱).

عملیات بینامتنی

قمر به معنی ماه است. این کلمه ۲۷ بار در قرآن مجید به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۳). در تفاسیر و کتب حدیثی شیعه و سنی ماجرای دونیم شدن و شکافته شدن ماه مطرح شده است. براساس روایات، پیشنهاد شکافته شدن ماه از سوی کفار به پیامبر

اکرم^(ص) به خاطر آن بود که می‌گفتند: سحر و جادو در آسمان‌ها اثر ندارد و اگر ماه شکافته شد، کار حضرت محمد^(ص) معجزه است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). عمرانی در این بیت دو تلمیح قرآنی به کار برده است: معجزه شق القمر و اشاره به شب اسراء. این تلمیح نه تنها زیبایی ادبی ایجاد می‌کند، بلکه شعر را به یک متن مقدس متصل می‌سازد.

۳-۴. شخصیت

یکی از شیوه‌های بینامتنیت در قصاید عمرانی، بینامتنیت «شخصیت» و اشاره به شخصیت‌های داستان‌های قرآنی است. اشاره به داستان‌ها در حقیقت، حضور ضمنی از یک پیش‌متن در متن شعری عمرانی به شمار می‌آید. عمرانی در برخی از شعرهای خود، با بهره‌گیری از شخصیت‌هایی چون: حضرت محمد^(ص)، جبرئیل^(ع)، حضرت ابراهیم^(ع) و... نه تنها یادآور روایت‌های قرآنی می‌شود، بلکه این شخصیت‌ها را به مثابه زیرمتن فعال در بافت شعر به کار می‌گیرد؛ بنابراین در زیرمجموعه بینامتنیت «ضمنی» قابل بررسی است. ۲۰ مورد اشاره به داستان‌های پیامبران و شخصیت‌های قرآنی در شعر عمرانی دیده می‌شود. نشانی این ابیات در دیوان بدین قرار است: ۲۶/۶- ۴۲/۶- ۴۲/۷- ۴۵/۴- ۴۵/۵- ۴۵/۶- ۴۶/۱- ۴۶/۳- ۴۶/۳- ۵۰/۳- ۵۰/۴- ۵۲/۴- ۶۲/۵- ۶۵/۱- ۸۱/۷- ۱۳۸/۴- ۱۳۸/۵- ۴۴۳/۱- ۴۵۵/۱.

۳-۴-۱. ابلیس

متن حاضر:

به آدم سجده تعظیم تا خیل ملک فرمود

نکرد ابلیس بدکیش از تکبر، شد از آن رسوا

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۱/۴۶)

متن غایب:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ: و یاد کن هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، [پس] سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید و از کافران شد» (بقره: ۳۴).

عملیات بینامتنی

ابلیس: ابلاس به معنی نومید کردن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۱۹). کلمه ابلیس در قرآن به معنی موجود خاصی که از رحمت خدا رانده شده و گاه معادل با شیطان به معنی عام به کار رفته است. این کلمه در قرآن کریم ۱۱ بار و داستان سرپیچی او از امر الهی و استکبار او بارها به صورت های گوناگون بازگو شده است. مفصل ترین آن ها در سوره اعراف (۱۷. ۱۰/۷) آمده است (مجتبایی، ۱۳۹۹: ۱). این یک داستان جدید نیست؛ بلکه یادآوری یک داستان مشهور برای بیان یک مفهوم اخلاقی و عرفانی است. چارچوب داستان از متن مقدس گرفته شده است. شاعر کل یک داستان قرآنی را در یک بیت فشرده کرده است. او تمام جزئیات را حذف کرده و فقط به هسته اصلی داستان می پردازد. شاعر از این پیش متن به دلیلی استفاده کرده است که بار معنایی سنگینی از یک متن مقدس را به بیت خود منتقل کند و خواننده با شنیدن نام ابلیس و سجده بر آدم، بلافاصله تمام مفاهیم تکبر، نافرمانی و غرور را به یاد بیاورد. شاعر برای بیان مفهوم تکبر و عواقب آن به جای توصیف طولانی، مثالی شناخته شده از داستان سجده نکردن ابلیس را ارائه می دهد که برای مخاطب ملموس است. این بیت یک نمونه از بینامتنیت است که کاملاً وابسته به پیش متن خود (قرآن) است. بدون آگاهی از داستان قرآنی، درک کامل بیت غیر ممکن خواهد بود. شاعر با مهارت

از یک داستان شناخته شده بهره برده تا پیام خود را درباره عواقب شوم تکبر و نافرمانی با بیشترین تأثیر و در کمترین حجم بیان کند.

۳-۴-۲. جبرئیل^(ع)

متن حاضر:

دُرافشان گشت از گریه، دو چشم زوجه پاکش

که جبرئیل از فلک نازل شدی از بهر «ما اوحی»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۴/۵۲)

متن غایب:

«إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ: به یقین کسانی که آن تهمت [بزرگ] را درباره یکی از همسران پیامبر به میان آوردند، گروهی هم دست و هم فکر از میان خود شما بودند، آن را برای خود شری مپندارید و بلکه آن برای شما خیر است، برای هر مردی از آنان کیفری به میزان گناهی است که مرتکب شده و آن کس که بخش عمده آن را بر عهده گرفته، برایش عذابی بزرگ است» (نور: ۱۱).

عملیات بینامتنی

جبرئیل از فرشتگان مقرب درگاه الهی است که واسطه رساندن وحی پروردگار به انبیا، به ویژه پیامبر اسلام^(ص) بود. نام جبرئیل ۳ بار در قرآن کریم در سوره های بقره: ۹۷ و ۹۸ و تحریم: ۶۴ آمده است (منوچهری، ۱۳۹۸: ۱). علامه شعرانی در مورد واژه «جبرئیل» می‌گوید: اصل آن عبری است مرکب از «جبر» به معنی قوه و قدرت و

«ئیل» به معنی خدا و جمعاً به معنی «قوة الله» است (شعرانی، ۱۳۸۰: ۱۲۲). عمرانی با توجه به آگاهی ذهنی از این ماجرای قرآنی برای بیان مقصود عرفانی خویش از این داستان قرآنی بهره گرفته است و به صورت عمده از طریق تلمیح و بازآفرینی با متون پیشین ارتباط برقرار کرده است.

۳-۴-۳. حضرت ابراهیم^(ع)

متن حاضر:

برانگیزنده نور ضمیر سید خاتم

گلستان ساز ابراهیم و افسر بخش «کرمنا»

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۵/۶۲)

متن غایب:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ: [پس او را در آتش افکندند] گفتیم: ای آتش! برابر ابراهیم سرد و بی آسیب باش.» (الانبیاء: ۶۹).

عملیات بینامتنی

حضرت ابراهیم^(ع) پیامبری اولوالعزم است که قرآن مجید ۶۸ بار طی ۶۳ آیه در ۲۵ سوره (بقره، آل عمران، نساء، ابراهیم، حجر، نحل، مریم، انبیاء، حج، شعراء، عنکبوت، احزاب، صافات، ص، شوری، زخرف، ذاریات، نجم، حدید، ممتحنه، اعلی) از او نام برده است (حریری، ۱۳۸۴: ۲۵). ابراهیم نخست آبرام نامیده می شد که در عبرانی به معنی پدر عالی است (خزائلی، ۱۳۵۰: ۶۷). ابراهیم از خاندان نوح و از پیروان او در منش خداپرستی و مبارزه با شرک بود. نسب او در عهد قدیم به تفصیل آمده، در

حالی که در قرآن از نسب ابراهیم (جز پدرش) سخنی به میان نیامده است (اشرفی، ۱۳۹۷: ۲۲۹). داستان ابراهیم^(ع) به عنوان پیامبری پاک‌باز، بت‌شکن و آتش‌گذار که با شرک نبرد کرد و زورمندان را به چیزی نگرفت و دینش به صفت «حنیف» متصف گردید. در ادبیات فارسی تجلی بارز یافته است و حتی سرگذشت او نزد برخی شعرا، با سرگذشت زردشت نیز درآمیخته است (یا حقی، ۱۳۹۱: ۷۴). عمرانی در این بیت بیان کرده است که آن نور الهی که دل حضرت محمد^(ص) را روشن می‌کند، همان است که آتش را برای ابراهیم^(ع) به گلستان بدل کرده است. در این بیت شاعر اشاره به ماجرای افکنده شدن حضرت ابراهیم^(ع) در آتش دارد و همچنان قدرت خداوند را نشان می‌دهد. شاعر از طریق شخصیت قرآنی، پیام توحید و عظمت خداوند را به مخاطب منتقل می‌کند.

۳-۵. ذکر آیه

در ۱۰ مورد آیه قرآن به شکل کامل یا با اندکی تغییر به جهت رعایت وزن شعر در ابیات ذکر شده است. به جهت اختصار به ذکر یک نمونه و نشانی این ابیات بسنده می‌شود: ۴۲/۱ - ۶۶/۳ - ۷۶/۵ - ۷۹/۴ - ۷۹/۶ - ۸۲/۲ - ۸۷/۴ - ۹۶/۴ - ۱۴۹/۳ - ۳۱۱/۴.

به بود واجب او عقل جبریل امین موقن

خود این از «لَمْ یَلِدْ لَمْ یُولَدْ» و «كُفُواْ اَحَدًا» گویا

(عمرانی، ۱۴۰۰: ۱/۴۲)

۴. نتیجه

این پژوهش براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت به واکاوی روابط بینامتنی قصاید عمرانی کابلی و قرآن کریم پرداخت. از میان انواع ترامتنیت ژرار ژنت، ۲۳۵ مورد صریح و غیر صریح (ضمنی) بینامتنیت در قصاید عمرانی کابلی یافت شد. قرآن به عنوان زیرمتن و مرجع معتبر اعتقادی نزد مسلمانان همواره در بیان شاعران مؤثر بوده و این تأثیر در قصاید عمرانی کابلی نیز مشهود است. از نوع بینامتنیت صریح ژرار ژنت می‌توان به بینامتنیت واژگانی، عبارت‌ها و جمله‌های کوتاه و ترکیب‌های وصفی و اضافی اشاره کرد. بیشترین مورد در این بخش مربوط به عبارت‌ها و جمله‌های کوتاه قرآنی است. از نوع بینامتنیت غیر صریح (ضمنی) ژرار ژنت می‌توان به انواع تلمیحات و اشاره به شخصیت‌های قرآنی اشاره کرد. عمرانی کابلی از بسیاری از داستان‌های قرآنی پیغمبران و وقایعی که در قرآن ذکر شده، اقتباس داشته و در سرایش قصایدش استفاده کرده است. در کل می‌توان گفت که عمرانی جهت بیان افکار و عقایدش از قرآن کریم به عنوان زیرمتن مرجع استفاده کرده و عقاید و باورهایش را بر این اساس سروده است. وی همچنین در ذکر و بیان حقایق اهل بیت (ع) نیز از آیات قرآنی استفاده کرده است. نوع استفاده وی از آیات قرآن نشان‌دهنده افکار عالمانه وی در باب دین و مذهب اوست و وی را در جمع شاعران بزرگ شیعی معاصر قرار می‌دهد.

فهرست منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) اشرفی، عباس (۱۳۹۷). مقایسه قصص در قرآن و عهدین. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۳) الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۲۳). قرآن کریم با ترجمه فارسی. تهران: اسلامیه.
- ۴) اویسی، بهزاد؛ گرجی، مصطفی؛ سلطانی، حسن (۱۴۰۱). «بررسی و تحلیل بینامتنیت قرآنی در تمهیدات عین القضاة همدانی براساس نظریه ژرار ژنت» پژوهش های ادبی - قرآنی. س ۱۰. تابستان. ش ۳۸.
- ۵) آذر، اسماعیل (۱۳۹۵). «تحلیلی بر نظریه های بینامتنیت ژنتی». پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی. ش ۱۳، صص ۱۱-۳۱.
- ۶) آلن، گراهام (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.
- ۷) پیرک، سکینه (۱۴۰۱). «بررسی و تحلیل روابط بینامتنیت قرآنی دیوان ناصر خسرو براساس نظریه ژرار ژنت». زبان و ادب فارسی. دانشگاه آزاد سنندج. س ۱۴. پاییز. ش ۵۲.
- ۸) حاج منوچهری، فرامرز؛ ابراهیم، علیرضا (۱۳۹۸). «جبرئیل». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. به سرپرستی سید کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۹) حریری، محمدیوسف (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات قرآنی. قم: هجرت.
- ۱۰) خدابخشی، الهام؛ محمودی، مریم؛ داوری، پریسا (۱۳۹۸). «بینامتنیت قرآنی در طرب المجالس براساس نظریه ژرار ژنت». پژوهش های ادبی - قرآنی. س ۷. تابستان. ش ۲۶.
- ۱۱) خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۹۳). قرآن پژوهی (ج ۲). تهران: انتشارات دوستان.
- ۱۲) خزائلی، محمد (۱۳۷۱). اعلام قرآن. تهران: امیرکبیر.
- ۱۳) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- ۱۴) راستگو، سید محمد (۱۳۷۶). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت.
- ۱۵) شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۰). نثر طوبی. تهران: اسلامیه.
- ۱۶) صبتاغی، علی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی». پژوهش‌های ادبی. ش ۳۸. صص ۵۹-۷۱.
- ۱۷) عمرانی کابلی، میر محمد حسن (۱۴۰۰). دیوان عمرانی کابلی. به کوشش سید رضا هاشمی سره. تهران: محمل.
- ۱۸) قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور (ج ۹). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۹) _____ (۱۴۰۱). تفسیر نور (ج ۸). تهران: خدمات فرهنگی فدک.
- ۲۰) قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱) _____ (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث (ج ۱۱). تهران: اطلس.
- ۲۲) _____ (۱۳۷۸). تفسیر احسن الحدیث (ج ۱۲). تهران: اطلس.
- ۲۳) مجتبابی، فتح‌الله (۱۳۹۹). «ابلیس». دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی به سرپرستی سید کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۴) محمودی، خیرالله؛ هوشمند سروستانی، حمیدرضا (۱۴۰۰). «بررسی بینامتنیت قرآنی غزلیات فیض کاشانی براساس نظریه ژرار ژنت». پژوهش‌های ادبی - قرآنی. س ۹. بهار. ش ۳۳.
- ۲۵) مختاری، مسروره؛ کاظم پور، مهسا (۱۴۰۰). «بینامتنیت قرآنی در مصنفات باباافضل کاشانی براساس نظریه ژرار ژنت». عرفان اسلامی، س ۱۷. تابستان. ش ۶۸.
- ۲۶) مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰). دایرة‌المعارف فارسی (ج ۱). تهران: امیرکبیر.
- ۲۷) نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۵). بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم. تهران: نشر سخن.

۲۸) یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

29) Genette Gerard (1997) Palimpsests, literature in second degree. China Newman and Claude Doubing Sky (trans). University of Nebraska press, Lincoln NE and London.